

The Political Functions of Robe-Bestowal and Robe-Wearing in Safavid Foreign Relations

*Farzad Khosh-Ab*¹
*Alaeddin Shahrokhi*²

As one of the customary gifts of the Safavid era, robes were consistently bestowed upon subordinates by superiors. In fact, the practices of robe-bestowal and robe-wearing in the Safavid era, serving as a ritual that often delineated the status of high-ranking statesmen relative to others, held significant importance in the foreign relations of Safavid shahs. This research, employing a library-based methodology, will examine and analyze the political functions of robe-bestowal and robe-wearing in Safavid foreign relations through a descriptive-analytical approach. The findings of this study indicate that robes were bestowed directly and indirectly by the shahs upon foreign ambassadors, enemies, and officials involved in foreign relations. Direct bestowal upon ambassadors revealed the shah and court's perspective on the negotiating countries, while, when confronting enemies, it served to demonstrate power and deter war. Indirectly, during wartime and confrontations with foreign enemies, the shah's robe-bestowal to subordinates varied based on their performance. Thus, victory over enemies and the imposition of defeat were accompanied by honorary robes from the shah. Conversely, individuals who suffered defeat in confrontations with enemies were subject to robes of humiliation and insult from the shah; occasionally, however, conciliatory robes were sent based on individuals' pasts. The issue of demonstrating and preserving the power of Safavid shahs in comparison to their counterparts played a significant role in the bestowal of robes to individuals involved in this matter.

- **Keywords:**

Iran, Safavid, foreign relations, robe-bestowal, robe-wearing, political functions.

¹. PhD in History of Iran after Islam, Lorestan University and History Teacher in Education Department, Khorramabad - Iran (Corresponding Author) farzad.69.fk@gmail.com

². Member of the Faculty of the History Department, Lorestan University, Khorramabad - Iran shahrokhi.a@lu.ac.ir



کارکردهای سیاسی خلعت بخشی و خلعت پوشی در مناسبات خارجی صفویان

فرزاد خوش‌آب^۱

علاءالدین شاه‌رخی^۲

چکیده

خلعت به عنوان یکی از تقدیمی‌های عصر صفوی همواره از سوی مقامات بالادست به زبردستان اعطاء می‌شد. در واقع خلعت بخشی و خلعت پوشی در عصر صفوی به عنوان آیینی که گاهی جایگاه دولتمردان رده‌بالا را نسبت به دیگر سطوح مشخص می‌کرد، در مناسبات خارجی شاهان صفوی با دولت‌های خارجی اهمیت داشت. این پژوهش با روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، کارکردهای خلعت بخشی و خلعت پوشی در مناسبات خارجی عصر صفوی را با رویکرد توصیفی-تحلیلی بررسی و تحلیل خواهد نمود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خلعت به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طرف شاهان به سفرای خارجی، دشمنان و صاحب‌منصبانی که در مناسبات خارجی نقش داشتند، اعطاء می‌شد. خلعت بخشی به صورت مستقیم به سفرا، دیدگاه و نوع نگاه شاه و دربار به کشورهای مذاکره‌کننده را مشخص می‌کرد و در مواجهه با دشمنان به منظور نمایش قدرت و جلوگیری از جنگ استفاده می‌شد. اما به صورت غیرمستقیم در زمان جنگ و مواجهه با دشمنان خارجی، خلعت بخشی شاه به زبردستان بنا بر عملکرد آنها ابعاد متفاوتی داشت. از این رو، پیروزی بر دشمنان و تحمیل شکست بر آنها با خلعت افتخارآمیز شاه همراه می‌شد. در مقابل، افرادی که در مواجهه با دشمنان شکست می‌خوردند، خلعت توهین و تحقیر شاه به آنها تعلق می‌گرفت که گاهی به واسطه گذشته افراد، خلعت دلجویی نیز ارسال می‌شد. مسئله نمایاندن و حفظ اقتدار شاهان صفوی در مقابل هم‌تایان خود در خلعت بخشی به افراد دخیل در این امر مؤثر بود.

واژگان کلیدی:

ایران، صفویان، مناسبات خارجی، خلعت بخشی، خلعت پوشی، کارکردهای سیاسی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

^۱ دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان و دبیر تاریخ آموزش و پرورش، خرم‌آباد-ایران (نویسنده مسئول)
farzad.69.fk@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه لرستان، خرم‌آباد-ایران shahrokhi.a@lu.ac.ir



مقدمه

با روند شکل‌گیری حکومت صفویه، تلاش‌های شاه اسماعیل (حک: ۹۳۰-۹۰۷ق.) برای تمرکزگرایی و تثبیت جایگاه شاه به سرکوب مخالفان و حکام شورشی در نواحی مختلف انجامید. او با توسل به قوای نظامی و استفاده از شیوه‌های متنوع توانست بر مخالفان غلبه کند و جایگاه خود را به عنوان شاه ایران تثبیت نماید. این رویه در زمان جانشینان او نیز دنبال شد و مناسبات ساختار قدرت در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی برای حفظ قدرت دولت شکل گرفت. در این ساختار، شاهان صفوی به عنوان بالاترین مقام برای تصدیق جایگاه صاحب‌منصبان از شیوه‌های متنوعی بهره می‌گرفتند که یکی از مهم‌ترین آنها خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی بود. بر این اساس، نخستین بُعد این سنت، خلعت‌بخشی شاه به زبردستان در مناسبات سیاسی داخلی و درون حکومتی بود. شاهان صفوی بنا بر موقعیت و نوع جایگاه صاحب‌منصبان به خلعت‌بخشی اقدام می‌کردند که عوامل متعددی در چگونگی و نوع این کنش شاه به زبردستان دخیل بود. بُعد دیگری از این سنت در مناسبات خارجی صفویان جلوه یافته است. اهمیت مسئله قدرت برای شاهان صفوی در مواجهه با همتایان خود در ورای مرزها با خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی پیوند خورده بود که این رویه به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گرفت. در وجه مستقیم خلعت‌بخشی به سفرای خارجی عمدتاً با تشریفات و تمهیدات خاصی انجام می‌شد و سفرای خارجی به همراه ملازمانشان خلعت‌های متفاوت و متنوعی برحسب رتبه و مقام دریافت می‌کردند. در واقع این نوع خلعت‌بخشی توسط شاهان صفوی فارغ از تشریفات بودن آن، رنگ‌وبوی سیاسی به خود می‌گرفت، به طوری که شاهان صفوی با اعطای خلعت‌های متنوع به سفرای خارجی حاضر در ایران، نگرش خود را به هر یک از کشورهای مذاکره‌کننده نشان می‌دادند و به نحوی عیار هر یک از کشورهای خارجی از نظر سیاسی را می‌سنجیدند. از این جهت سفرای خارجی با آگاهی به این مسئله سعی داشتند برای گرفتن خلعت کامل از شاهان صفوی گوی سبقت را از یکدیگر برابند. به دنبال آن، شاهان صفوی برای نمایاندن اقتدار خود و همسو کردن دشمنان با اهداف خود در زمان جنگ به خلعت‌بخشی اقدام می‌کردند. از طرف دیگر، خلعت‌بخشی شاهان صفوی به صورت غیرمستقیم به افراد دخیل در مواجهه با دشمنان خارجی و درگیری در مرزهای شرقی و غربی برای حفظ تمامیت ارضی پیوند خورده بود. در این زمان، ازبکان در شرق و عثمانی‌ها در غرب حکومت صفوی را مورد تهاجم قرار می‌دادند. در مقابل شاهان صفوی برای جلوگیری از ورود آنها به اقدامات نظامی متوسل شدند و در این بین،

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۵

صاحب‌منصبان نظامی، نظامیان عادی و شاهزادگان نقش اصلی را عهده‌دار بودند. به همین دلیل، عملکرد آنها در حفظ مرزها و مقابله با دشمن، جایگاه آنها را نزد شاهان صفوی مشخص می‌کرد. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین ابزارهای شاهان صفوی برای برخورد با صاحب‌منصبان و تشویق آنها خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی بر آنان بود که به نحوی خشم شاه و یا خشنودی او را از عملکرد زیردستانش در مقابل دشمنان خارجی نمایان می‌کرد. به این معنی که دلاوری در جنگ و عقب‌راندن دشمن با خلعت لطف شاه همراه بود و در مقابل شکست از دشمن، عقب‌نشینی و خیانت به شاه با خلعت غضب و تحقیر شاه همراه می‌شد. از این رو در پژوهش حاضر تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات سیاسی صفویان با دشمنان خارجی چه کارکردهایی داشت.

پیشینه پژوهش

مسئله خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی عصر صفوی تاکنون در شماری از پژوهش‌ها مورد توجه بوده است. در برخی پژوهش‌های جدید، خلعت‌بخشی و جایگاه آن در دوره‌های مختلف بررسی شده است که این نوع از پژوهش‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که جایگاه خلعت و خلعت‌بخشی و سیر تحول آن را در مناسبات دیگر حکومت‌ها بررسی کرده‌اند. امیرنیمای الهی و صمد سامانیان (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی آداب خلعت و جامه‌بخشی در دوره خلافت فاطمی"، تحلیلی جامعه‌شناختی از خلعت‌بخشی در مناسبات درونی خلافت فاطمی ارائه کرده‌اند. قنبرعلی رودگر (۱۳۹۳) در مدخل: "خلعت در تداول فارسی زبانان" به صورت مختصر به سیر آیین خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در ادوار مختلف تاریخ ایران اشاره کرده است. در این پژوهش با وجود اشاره‌ای کوتاه به جریبان خلعت‌بخشی در عصر صفوی، کارکردهای سیاسی و جایگاه آن در مناسبات خارجی در آن مغفول مانده است. فرزاد خوش‌آب و دیگران در مقاله کارکردهای اداری و مالی خلعت در دوره صفویه، جایگاه و اهمیت خلعت و خلعت‌بخشی را از نظر مالی در ساختار حکومت صفوی مورد بررسی قرار داده و به سهم خلعت در مناسبات خارجی اشاره نکرده‌اند.

دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که تاریخ ایران در عصر صفوی را بررسی کرده‌اند و در مباحث خود به خلعت و خلعت‌بخشی در این دوره نیز اشاره کرده‌اند. رودی متی (۱۳۹۷) در کتاب "ایران در بحران"، اوضاع سلسله صفوی در زمان زوال را بررسی کرده و به صورت

گذرا به اعطای خلعت توسط شاهان صفوی به زبردستان اشاره کرده، اما به تقدیم این نوع تقدیمی در مناسبات خارجی اشاره نکرده است. نصرالله فلسفی (۱۳۵۳) در کتاب "زندگانی شاه عباس اول"، اوضاع ایران در زمان سلطنت شاه عباس را بررسی کرده و ضمن واکاوی مباحث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به انواع تقدیمی‌ها اشاره کرده است؛ در پژوهش حاضر نیز خلعت و خلعت‌بخشی در این بحث مغفول مانده است.

دسته سوم پژوهش‌هایی هستند که ساختار اداری ایران در عصر صفوی را بررسی کرده‌اند و با وجود اشاراتی کوتاه به رد و بدل شدن خلعت بین دولتمردان وابسته به قدرت، به نقش و جایگاه آن در مناسبات خارجی این دوره اشاره‌ای نکرده‌اند. میسائیل رربورن (۱۳۸۴) در کتاب "نظام ایالات در عهد صفویه" در مباحث خود و ارتباط شاهان صفوی با زبردستان به خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در این دوره اشاره کرده که سهم خلعت در مناسبات خارجی این دوره در آن مغفول مانده است. عباسقلی غفاری‌فرد (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان "دیوان‌سالاری و نظام اداری در روزگار صفویه" و ویلم فلور (۱۴۰۰) در کتاب "دیوان و قشون در عصر صفوی" در بررسی نظام اداری ایران صفوی و مناسبات درون حکومتی اشاراتی گذرا به خلعت‌بخشی در این دوره داشته‌اند. بدین ترتیب در پژوهش‌های مذکور با وجود اشاره به خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی، کارکردهای سیاسی خلعت در مناسبات خارجی صفویان مدنظر نبوده است. در این پژوهش کوشش می‌شود تا سهم و جایگاه خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی شاهان صفوی در مناسبات خارجی بررسی شود.

خلعت و خلعت‌بخشی در عصر صفوی

در دوره صفویه، ایرانیان به تحفه‌ای که از طرف فردی به فردی دیگر در مقام پایین‌تر داده می‌شد، خلعت می‌گفتند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۶). در واقع خلعت جامه‌ای ایرانی از پارچه‌های زربافت یا نقره‌ای (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۸۷؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۱؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۲) شامل یک قبا، ارخارق، شال (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۸۷؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۷۵/۳-۱۱۷۴) با آستین‌های دراز، عمامه کمربندی بافته از طلا و حریر (کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۲) بود که درجه آن با توجه به شخص مورد مرحمت و لطف شاه مشخص می‌شد (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۷۵/۳-۱۱۷۴، ۶۷۲/۲) و همواره ملزوماتی به همراه آن اعطاء می‌شد (شاردن، ۱۳۷۴: ۶۷۲/۲؛ تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۸۸؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۲؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۲۱۰-۱۲۰۹؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۱). برای نمونه شاه صفی (حک: ۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق.) هنگام جلوس بر تخت سلطنت «اسب تازی با یراق

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۷

طلا ضمیمه خلعت عیسی خان قورچی‌باشی، دوات قلم مرصع اضافۀ عارفۀ اعتمادالدوله و دگنک مکمل به یواقیت و لعل و فیروزه ردیف تشریف زینل خان ایشیک آقاسی‌باشی و حیقه مرصع به لثالی به یوسف آقا و خنجر مرصع توأم خلعت رستم خان قوللر آقاسی...» (خواجگی اصفهانی، ۱۳۵۸: ۴۷). در این دوره، بعضی از خلعت‌ها کامل و شامل لباس، پیراهن و حتی کفش می‌شد و ممکن بود در مواقعی لباس شاهنشاه به یکی از نزدیکان او اعطاء شود. از طرفی خلعت‌های معمولی نیز شامل چهار قطعه مشتمل بر یک نیم‌تنه، یک قبا، یک شال کمر، یک دستار و یک عمامه کلاه معمولی ایرانیان بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۷۲). به عنوان نمونه، شاه صفی هنگام جلوس بر تخت سلطنت هشت هزار خلعت شامل مخمل، قبا، مندیل، انواع پارچه‌های زربفت و نقره‌بفت و پارچه‌های رنگارنگ به زبردستان خود تقدیم کرد (خواجگی اصفهانی، ۱۳۵۸: ۴۷). در این دوره، طبق آیین و رسم معمول، خلعت‌بخشی شاه به زبردستان با آداب و تشریفات خاصی انجام می‌شد. نخست بنا بر اهمیت خلعت ارسالی و جایگاه گیرنده آن، افرادی را برای حمل خلعت انتخاب می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۶؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۱/ ۴۲۳) و گاهی بنا بر اهمیت حمل خلعت برای انجام مأموریت مذکور تمهیدات ویژه‌ای تدارک دیده می‌شد و مقامات درباری برای تقدم بر یکدیگر تلاش می‌کردند (کارری، ۱۳۴۸: ۴۲؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۲۲؛ تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۸۷). پس از انتخاب حامل خلعت، مراسم و آیین مربوط به خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی با نظم خاصی صورت می‌پذیرفت. این مراسم در مکانی موسوم به خلعت‌پوشان (کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۲) و خلعت‌خانه (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۸۸؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۱۷۳) با فاصله اندکی از شهر برگزار می‌شد. همزمان، با صدور فرمان ارسال خلعت شاهی و آگاه شدن شخص مورد مرحمت، شماری از اطرافیان و اهالی شهر به مکان مذکور دعوت می‌شدند تا ناظر مرحمت شاه به خلعت‌گیرنده باشند (شاردن، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۱۷۳؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۶۰؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۶۹؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۹۳؛ عالم‌آرای شاه تهماسب، ۱۳۷۰: ۳۸۵؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۳۴/۱؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۲-۲۸۱؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۸-۲۸۷؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۲). سپس حامل خلعت و گیرنده در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند تا پیام شاه بر گیرنده خلعت خوانده و خلعت‌شاهی بر او پوشانده شود (کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۲؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۱۷۳؛ اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۲/ ۸۰۵؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۲). سپس گیرنده خلعت برای نمایش لطف و مرحمت شاهانه به خود به اشکال مختلف آن را در معرض عموم قرار می‌داد (شاردن، ۱۳۷۴، ۳/ ۱۱۷۳).

خلعت‌بخشی مستقیم شاهان صفوی در مناسبات خارجی

۱- خلعت‌بخشی شاهان صفوی به سفرای خارجی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خلعت در عصر صفوی به‌کارگیری و استفاده از آن در مناسبات سیاسی با دولت‌های خارجی و به‌ویژه سفرای آنها بود. در این دوره به سفرای دولت‌های خارجی چون عثمانی (هروی، ۱۳۸۳: ۲۴۹؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۲۲۶؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۴۹؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۱۶/۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۹۵؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۵۴؛ خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۳. افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ۳۴۲)، ازبک (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۶۶؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۶۱؛ منشی قمی، ۱۳۸۳، ۲/ ۳۴۹)، روس (ترکمان، ۱۳۵۰: ۵۰۷/۲؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۳/۶۷۳؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۵۴ و ۲۱)؛ هند (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۵؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۳/۶۷۳)، فرانسه (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۶۱؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۶۷۳)، پرتغال (فیدالگو، ۱۳۵۷: ۶۴؛ تنرو، ۱۳۹۷: ۳۸۴)، انگلیس (شاردن، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۲: ۲/۶۷۴؛ فلور، ۱۳۹۸: ۲۰۳؛ دریابل، ۱۳۵۱، ۵۳؛ شرلی، ۱۳۵۷: ۱۹۲ و ۷۷)، اسپانیا (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۳۲۸) و ونیز (ممبره، ۱۳۹۷: ۲۱۱ و ۱۲) که برای برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی به ایران آمده بودند، از طرف شاهان صفوی خلعت‌هایی تقدیم شده است. در عصر صفوی خلعت‌بخشی شاه به سفرای خارجی طی مراسم خاصی انجام می‌شد؛ بدین ترتیب که پس از ورود سفرا به ایران، پادشاه برای هر سفیر چهار خلعت ارسال می‌کرد. خلعت‌های تقدیمی شاه به سفرا شامل دو خلعت برای نخستین دیدار و دو خلعت دیگر برای خداحافظی و مرخصی از شاه بودند (کارری، ۱۳۴۸: ۱۱۹). از طرفی گاهی سفرا علاوه بر دریافت خلعت‌های معمول به دریافت خلعت‌های مازاد بر آنچه رسم بود، مفتخر می‌شدند. در واقع این نوع خلعت‌گیری مجدد در زمان‌های خاصی انجام می‌شد، بدین ترتیب که اگر سفیری از شاه خلعت‌های مرسوم را دریافت می‌کرد، در صورت مرگ شاه مجدداً از جانشین او به دریافت همان خلعت‌ها مفتخر می‌شد؛ امری که به‌ندرت اتفاق می‌افتاد. برای نمونه زمانی که سفیر لهستان در زمان شاه سلیمان (حک: ۱۱۰۵-۱۰۷۷ق.) خلعت‌های معمول را دریافت کرد، مرگ شاه سلیمان مرخصی و خداحافظی او را به تعویق انداخت. همین امر باعث شد تا به منظور به جای آوردن آداب مرخصی، خلعت‌هایی از جانب جانشین او یعنی شاه سلطان حسین دریافت کند (کارری، ۱۳۴۸: ۱۱۹).

در واقع آداب و رسوم مربوط به شرفیابی و مرخصی سفرا سهم زیادی در تعیین زمان ورود و بازگشت آنان داشت. از این رو، گاهی به دلیل نامساعد بودن شرایط، شرفیابی و مرخصی سفرا بدون رعایت آداب خلعت‌بخشی انجام می‌شد. به‌طوری که سفرا بدون تشریفات به حضور شاه می‌رسیدند و متعاقب آن بدون تشریفات خلعت‌بخشی و در مواقعی با دریافت خلعت‌هایی متفاوت مرخص می‌شدند. به‌عنوان نمونه زمانی که شاه عباس با دولت عثمانی در حال جنگ بود، دریابل از طرف دولت اتریش برای انجام مذاکره و اتحاد علیه دشمن مشترک آنها یعنی عثمانی وارد ایران شد. اما سفیر به دلیل نامساعد بودن شرایط بدون تشریفات به حضور شاه رفت و پس از اتمام مذاکرات نیز بدون انجام آیین خلعت‌بخشی، تنها با دریافت خلعت‌هایی شامل یک خنجر، یک اسب عربی و ۹۰۰ سکه از حضور شاه مرخص شد (دریابل، ۱۳۵۱، ۶۶).

به‌طور کلی طبق آداب و رسوم دربار ایران، سفرا پیش از حضور نزد شاه، باید خلعت‌های دریافتی از سوی دربار را به تن می‌کردند تا از این طریق موجبات خشنودی شاه را فراهم سازند. انجام این کار در مواقعی به دلیل ناآشنایی سفرا با رسوم معمول دربار ایران باعث می‌شد که صاحب‌منصبان درباری چگونگی شرفیابی با خلعت‌شاهی را به آنان آموزش دهند تا در حضور شاه مرتکب خطایی نشوند. آدام اولناریوس در باره باریابی سفرای هلشتاین نزد شاه صفی گزارش می‌دهد که در روز سوم زمانی که رؤسا و سایر اعضای سفارت به دربار دعوت شدند، پیش از حضور نزد شاه توسط مهماندار مطلع می‌شدند که طبق رسوم معمول دربار ایران، خلعت‌های شاهی را بر دوش خود بیندازند و پس از آن به نزد شاه بروند. سپس به آنها هشدار داده می‌شد که در صورت به‌جا نیاموردن رسم معمول ممکن است در معرض خشم شاه قرار گیرند (اولناریوس، ۱۳۶۹: ۵۸۱/۲). همچنین زمانی که تاورنیه به خلعت‌شاهی مفتخر شد، به دلیل اهمیت این موضوع، ناظر دربار پدر رافائل را به همراه حامل خلعت روانه کرد تا اهمیت خلعت اعطایی را به او گوشزد کند و یادآور شود که طبق رسوم ایرانی به همراه خلعت برای اظهار قدردانی به حضور شاه بروند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۶).

در این دوره، سفرا علاوه بر خلعت‌پوشی در زمان شرفیابی، هنگام مرخص شدن و بازگشت به کشور خود نیز خلعت‌هایی از شاه دریافت می‌کردند و طبق آیین خاصی مرخص می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۴: ۳/۱۳۰۲؛ افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۷۰-۴۶۹) و در واقع یکی از جنبه‌های خلعت‌بخشی شاه به سفرا اجازه مرخصی به آنها بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۳/۱۳۰۲، ۶۷۲/۲؛ اولناریوس، ۱۳۶۹: ۵۸۲/۲، فیدالگو، ۱۳۵۷: ۶۴؛ ممبره، ۱۳۹۷: ۲۱۲-۲۱۱). اهمیت

به جای آوردن آداب و رسوم مربوط به خلعت مرخصی سفرا به گونه‌ای بود که شاردن در این زمینه گزارش می‌دهد که شاه سلیمان ۱۰۷۶ ق. / ۱۶۶۶ م. به جهت مرخص کردن سفرای خارجی مقیم اصفهان خلعت‌هایی به آنها اعطاء کرد، سپس از طریق صدراعظم به آنها یادآور شد که همه سفرا با پوشیدن خلعت‌های شاهی در فرح‌آباد حاضر شوند و هیچیک از آنها برای اجازه مرخصی نباید بدون پوشیدن خلعت شاه حاضر شوند (شاردن، ۱۳۷۴: ۶۷۲/۲).

در این زمان، تمام سفرا و نمایندگان خارجی که از ممالک مختلف اروپا و آسیا به ایران می‌آمدند، پس از ورود به مرزهای ایران تا رسیدن به دربار از آنها پذیرایی می‌شد. سپس با اتمام کارشان، شاه ایران با اعطای مقدار زیادی پول، مقدار زیادی پارچه‌های زربافت و پارچه‌های ابریشمی زردوزی شده که در کارگاه‌های سلطنتی تهیه می‌شدند، به آنان اجازه مرخصی می‌داد و حتی گاهی لباس خود را به سفرا اعطاء می‌کرد (سانسون، ۱۳۴۶: ۹۱؛ دریابل، ۱۳۵۱، ۶۶). گاهی نیز برگزاری مراسم شرفیابی و مرخصی سفرا با تقدم و تأخر صورت می‌پذیرفت؛ بدین ترتیب که شاهان صفوی پیش از ورود سفرا به پایتخت و پس از خروج آنها اقدام به خلعت‌بخشی می‌کردند. به‌عنوان نمونه، شاه صفی (سال ۱۰۴۳ ق. / ۱۶۳۳ م.) خلعت صفدر خان سفیر هند را پیش از ورود به پایتخت، زمانی که در قندهار اقامت داشت، ارسال کرد (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۲). همچنین او در شرایط نامساعدی که از بکان و عثمانی‌ها قلمرو ایران را مورد حمله قرار داده بودند، خلعت اسمیت^۱ (سفیر هلند) را پس از مرخصی توسط مهماندار برای او ارسال کرد (فلور، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۹۷) که شامل یک ردای طلایی، یک کمر بند، یک عمامه و یک رأس اسب جوان بود (فلور، ۱۳۹۸: ۱۰۰-۹۷). ناگفته نماند که اعطای هدایای ارزشمند از سوی سفرا به شاه نیز می‌توانست نقشی مهم در خلعت‌گیری آنها داشته باشد. در باره این موضوع، تاورنیه که خود خلعت شاهی را دریافت کرده بود، به نقش هدایای تقدیمی اشاره نموده و اذعان کرده است که افتخاراتی که از سوی شاه و درباریان نصیب او شده، می‌تواند نصیب فرنگیانی نیز بشود که هدایای مطلوب به شاه عرضه می‌کنند (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۷)؛ به‌طوری که همین قضیه برای لارنس^۲ سفیر هلند تکرار شد. او پس از آنکه هدایای ارزشمندی به شاه تقدیم کرد، خلعت‌های فاخری شامل یک جامه پارچه‌های گران‌بها، یک اسب و یک شمشیر فیروزه‌نشان به قیمت چهار پیستول دریافت کرد (شاردن، ۱۳۷۴: ۶۱۴/۲).

^۱. Smith

^۲. Lawrence

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۱۱

نکته قابل توجه در خلعت‌بخشی شاهان صفوی به سفرا اینکه خلعت‌های اعطایی شاه به اعضای سفارت‌های خارجی بنا بر درجه و رتبه آنها متفاوت بود. به‌گونه‌ای که از این طریق بالاترین و پایین‌ترین مقام سفارت‌های حاضر در ایران را می‌توان تشخیص داد و آنها را از یکدیگر متمایز کرد. چنانکه شاه اسماعیل به سفرای پرتغال خلعت‌هایی شامل قبایی زردوزی و بالاپوشی اعطاء کرد و به دیگر همراهان آنها فقط قباهایی از ساتن رنگین داد (تنررو، ۱۳۹۷: ۳۹۴) همچنین شاه صفی برای پنج نفر از اعضای عالی‌رتبه سفرای هلشتاین یک کت اطلس و یک کت تافته با نخ‌های طلادوزی‌شده به رسم خلعت فرستاد. پس از آنها، دیگر اعضای سفارت به گرفتن یک کت مفتخر شدند و بقیه اعضاء و همراهان خلعتی دریافت نکردند (اولناریوس، ۱۳۶۹: ۵۸۱/۲).

به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین وجوه سیاسی اعطای خلعت شاهی به سفرا، نمایش نمادین اقتدار شاه در مقابل آنها بود. از این رو، زمان مذاکرات و همچنین زمان شرفیابی سفرا در رابطه با مسائل سیاسی (به طور اخص اتحاد علیه عثمانی) سهم به‌سزایی در استفاده شاهان صفوی از خلعت‌های نمادین داشت. ناگفته نماند که در دوره صفوی به‌ویژه از زمان شاه عباس، اقداماتی از سوی او و دولت‌های اروپایی به منظور اتحاد علیه عثمانی صورت گرفت و به همین منظور سفرای متعددی بین دربار صفوی و کشورهای اروپایی در رفت‌وآمد بودند. به‌عنوان نمونه، در پی سفارت آنتونی شرلی^۱ به اروپا برای جلب متحد علیه عثمانی (بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۹، ۲۶۷؛ شرلی، ۱۳۵۷: ۱۳۰، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۷، ۱۱۶). امپراتوری اتریش در زمان رودلف دوم به همین منظور سفرای به دربار ایران روانه کرد. از این رو، زمانی که سفرا در گرماگرم نبرد شاه عباس و عثمانی‌ها شرفیاب شدند (دریابل، ۱۳۵۱: ۵۳، ۵۱-۵۰، ۴۹-۴۶، ۲۲-۲۰)، شاه عباس در حضور آنها سر چند اسیر ترک را از بدن جدا کرد و همان شمشیر را به سفیر اصلی خلعت داد (دریابل، ۱۳۵۱: ۵۳). به نظر می‌رسد که شاه عباس با این اقدام سعی داشت عزم و اراده خود را در مقابل دشمنان نشان دهد و همچنین به دولت اتریش خاطر نشان کند که او به وعده خود عمل کرده، در حالی که آنها کاری از پیش نبرده‌اند. دریابل در این زمینه اذعان می‌کند که شاه عباس پس از جدا کردن سر اسرای ترک: «...با تبسمی بر لب بر جای خود نشست و رو به من کرد و به من فهماند که مسیحیان هم باید با ترک‌ها به همین شکل عمل کنند و او به سهم خودش در این مورد هیچ‌گونه کوتاهی نکرده است» (دریابل، ۱۳۵۱: ۵۳).

^۱. Anthoni Shirley

یکی دیگر از جنبه‌های سیاسی خلعت‌بخشی شاه به سفرای دولت‌های خارجی، نمایاندن قدرت و عظمت آنها بود که در پی این قضیه، قطعات خلعت اعطایی کم یا زیاد می‌شد و جنس آن نیز متفاوت بود (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۹؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۰۳/۳). از این رو، خلعت کامل به سفرا عبارت بود از: «یک رأس اسب با زین و برگ، شمشیر، خنجر و دو دست لباس کامل یکی تابستانی و یکی زمستانی» که پادشاهان ایران این نوع خلعت را به سفرای پادشاهان بزرگ همچون هند اعطاء می‌کردند و به سفرای کشورهای اروپایی فقط شمشیر با اسب بدون زین و ساز و برگ به‌علاوه جامه می‌بخشیدند (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۰۳/۳). در تکمیل این قضیه، خلعت‌بخشی شاه سلیمان (۱۰۷۶ ق. / ۱۶۶۶ م). به سفرای کشورهای هند، روسیه، انگلیس و فرانسه به‌خوبی نمایانگر نوع نگاه شاهان صفوی را از طریق خلعت‌بخشی به کشورهای مختلف نشان می‌دهد^۱ (شاردن، ۱۳۷۴: ۶۷۴/۲-۶۷۳). این نوع خلعت‌بخشی تابع شرایط معینی بود و در زمان تمایل شاه به سفرا داده می‌شد (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۰۳/۳)، به طوری که پس از خلعت‌بخشی شاه به سفرا اغلب بین آنها درگیری ایجاد می‌شد؛ زیرا با آنها بنا بر اهمیت محلی که از آنها آمده بودند، رفتار می‌شد و چنانچه سفرا از طرف پادشاهی بزرگ نیامده بودند، به آنها خلعت خنجر و شمشیر داده نمی‌شد (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۲۸۸)، زیرا در ایران هیچ نوع اجلال و اکرام نسبت به سفرای خارجی جز با خلعت‌بخشی رایج نبود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۱). در ارتباط با این موضوع، یکی از مهم‌ترین مسائل پیرامون خلعت‌بخشی به سفرا، تلاش آنها مبنی بر تقدم در باریابی بود تا از این طریق مورد عنایت شاه قرار گیرند. به همین دلیل، اهمیت این موضوع باعث می‌شد که سفرای برخی کشورها از تقدم سفرای دیگر در باریابی ناخشنود باشند (شاردن، ۱۳۷۴: ۶۳۶/۲). همچنین نمایاندن مرحمت شاه به برخی از سفرا با خلعت‌پوشی به آنها در حضور سایر سفرا و با برگزاری یک مراسم باشکوه به اوج خود می‌رسید؛ به طوری که برتری سفیر و لطف و مرحمت شاه به او را در مقابل همگان نمایان می‌کرد. به عنوان نمونه، زمانی که تاورنیه از سوی ناظر برای شرفیابی فراخوانده شد، سفرای دیگر کشورها در مجلس حاضر بودند. سپس ناظر به همراه دو صاحب‌منصب دیگر بالاپوش مرحمتی شاه را با تشریفات خاصی، در حالی که این کلمات را زمزمه می‌کرد: «اعلیحضرت تو را به لطف عمیم خود مفتخر می‌کنند»، به دوش او انداخت. پس از آن، سایر سفرای حاضر در جلسه به دلیل لطف شاه به تاورنیه در مقابل او برخاستند و کرنش کردند.

^۱ در این زمینه بنگرید به: جدول شماره یک

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۱۳

در ادامه، ناظر برای تأکید به تاورنیه اعلام کرد که این افتخار جز به اندکی از خان‌های بزرگ، حکام یا سفرای پادشاهانی که بیشتر مورد عنایت پادشاه بودند، نصیب کسی نمی‌شود (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۹). در مقابل برخی از سفرای برای نشان دادن عظمت خود و کشورشان با آگاهی از رسوم ایران به‌ویژه خلعت‌بخشی سعی می‌کردند به این کار اقدام کنند، چنانکه فیدالگو در مقابل پیشکش‌های خان لار به او خلعت داد، زیرا می‌دانست که خلعت نشان‌دهنده مرحمت بزرگان به زیردستان است (فیدالگو، ۱۳۵۷: ۴۰). علاوه بر سفرای شاه برای نمایش اقتدار خود و لطف و مرحمت به شاهزاده‌های پناهنده و همراهان شاهان پناهنده خلعت‌بخشی می‌کرد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱/۱۰۲؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۴).

جدول شماره یک (خلعت‌بخشی شاه سلیمان به سفیر دربار گورکانی)

منبع	نوع خلعت	خلعت‌گیرنده	خلعت‌دهنده	ردیف
شاردن، ۱۳۷۴، ۶۷۲/۲	یک جامه زربفت	سفیر هند	شاه سلیمان	۱
	چند ثوب نیم‌تنه با قزققلی			
	جواهرنشان و آستر پوست سمور			
	۱۵ هزار اکو پول نقد			
	۴۰ رأس اسب با زین و برگ جواهرنشان			
	یک شمشیر			
	یک خنجر دسته‌مرصع			
دو صندوق آکنده از پارچه‌های زربفت یا سیمین‌تار و چند جعبه پر از میوه‌های خشک و مشروبات و عصاره‌های مختلف				

(خلعت‌بخشی شاه سلیمان به سفیر روسیه)

منبع	نوع خلعت	خلعت‌گیرنده	خلعت‌دهنده	ردیف
شاردن، ۱۳۷۴، ۶۷۳/۲	یک اسب نژاده با زین و برگ سیمین مطلا با پوشش زین و زربفت	سفیر روسیه	شاه سلیمان	۱
	سه دست جامه کامل زربفت با زمینه‌های طلا و سیمین و ابریشمین			
	۹۰۰ پیستول که نیمی نقد و نیمی پارچه بود			

(خلعت بخشی شاه سلیمان به سفیر فرانسه)

منبع	نوع خلعت	خلعت گیرنده	خلعت دهنده	ردیف
شاردن، ۱۳۷۴، ۶۷۳/۲	یک اسب بدون زین و برگ و ساز	سفیر فرانسه	شاه سلیمان	۱
	۴ دست جامه زربفت که دو دست آن کامل بود و زمینه‌های آنها یکی زرین یکی سیمین و دو دست دیگر ابریشمین بود			
	۵۰۰ پیستول که نیم آن نقد و نیم دیگر پارچه بود			

(خلعت بخشی شاه سلیمان به سفیر انگلیس)

منبع	نوع خلعت	خلعت گیرنده	خلعت دهنده	ردیف
شاردن، ۱۳۷۴، ۶۷۳-۶۷۴/۲	یک اسب بدون زین و برگ و ساز	سفیر انگلیس	شاه سلیمان	۱
	سه دست جامه کامل زربفت با زمینه‌های طلا و سیمین و ابریشمین			
	یک دست شمشیر زمردنشان به ارزش ۳۵۰ پیستول			

۲- خلعت دهلیزی برای مصالحه با دشمن و گذار از جنگ

در دوره صفویه یکی از مسائل مهم، کشاکش با دولت‌های همسایه و همچنین حکام و خوانین شورشی در داخل مرزها بود. از این رو، فائق آمدن بر نیروهای متخاصم در دو جبهه داخلی و خارجی، سیاست‌های خاصی را پیش و پس از جنگ می‌طلبید. یکی از شیوه‌هایی که پادشاهان صفوی در رویارویی با دشمنان از آن بهره می‌گرفتند، خلعت بخشی برای به خدمت گرفتن دشمنان، پایان دادن به جنگ و نیز جلوگیری از جنگ بود. صفویان همچنین در مناسبات خارجی و هنگام رویارویی با دشمنان در شرایط مختلف سعی داشتند از طریق خلعت بخشی و نشان دادن مرحمت خود به آنها، درگیری‌ها و منازعات را با اهداف خود

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۱۵

همسو کنند. در راستای همین سیاست، شاه اسماعیل پس از غلبه بر شیبک خان در مرو (سال ۹۱۶ق. / ۱۵۱۰م.) زمانی که وزیرش محمد ساغرچی کلید شهر را تقدیم کرد، او را به خدمت گرفت و خلعت بخشید. همچنین در بحبوحه نبرد ایران و عثمانی در سال ۱۰۱۲ق. / ۱۶۰۳م. زمانی که شاه عباس سپاه عثمانی را در تبریز محاصره کرده بود، پس از درخواست علی پاشا مبنی بر مصالحه، برای پایان دادن به جنگ او را امان داد و به همراه پسرش مخّلع کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۷۷). همچنین در حمله به قندهار پس از آنکه والی قلعه تقاضای بخشش کرد، او را با خلعت‌بخشی به مرحمت خود مفتخر کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۱۸).

در مواقعی نیز خلعت‌بخشی به دشمنان پیش از جنگ، عامل مؤثری در جلوگیری از جنگ بود، به طوری که به کارگیری این سیاست از سوی شاه تهماسب (حک: ۹۸۴-۹۳۰ق.) در مقابل ازبکان مؤثر واقع شد و از درگیری بین طرفین جلوگیری کرد. زمانی که ازبکان به حوالی خراسان حمله کردند، عبدالعزیز خان در حمله به مشهد اسیر شد. شاه تهماسب به جای انتقام‌کشی از ازبکان، او را مخّلع کرد و به همراه شخصی به نام حسین بیک نزد پدرش عبیدالله خان روانه نمود. در این زمان که عبیدالله خان مهیای حمله به خراسان و رویارویی با صفویان بود، در تلافی خلعت‌بخشی شاه تهماسب به عبدالعزیز از جنگ صرف‌نظر کرد و هدایایی را به همین منظور برای شاه تهماسب ارسال نمود (افشار، ۱۳۷۰: ۱۷۷-۱۷۳).

۳- خلعت‌بخشی گامی برای نمایش قدرت

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خلعت در عصر صفوی استفاده از آن برای نمایش قدرت و بالا بردن شأن و منزلت سیاسی بود. در این دوره، ساختار قدرت و صاحب‌منصبان از طریق خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی به روش‌ها و شیوه‌های متفاوتی سعی می‌کردند قدرت منزلت سیاسی خود را نمایان کنند. از این رو، نمایش قدرت شاهان صفوی از طریق خلعت‌بخشی را می‌توان در دو سطح داخلی و خارجی بررسی کرد. شاهان صفوی از رهگذر این رفتار در سطح خارجی و مناسبات سیاسی با سایر دولت‌ها در صدد بودند قدرت و در عین حال انعطاف‌پذیری خود را در مسائل مختلف حتی هنگام شعله‌ور بودن آتش جنگ نمایش دهند. برای نمونه می‌توان به رفتار شاه عباس با اسرای عثمانی در سال ۱۰۱۸ق. / ۱۶۰۹م. اشاره کرد؛ بدین ترتیب که پس از درگیری با قوای عثمانی و اتمام مذاکرات صلح با مراد پاشا ۵۰-۴۰ نفر از اسرای عثمانی را با خلعت‌بخشی آزاد کرد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۲۵/۲). گاه این اقدام

در حضور سفرای خارجی صورت می‌گرفت تا علاوه بر دشمنان، سفرای دیگر کشورها شاهد نمایش قدرت آنها باشند، چنانکه شاه صفی در حضور سفرای خارجی چندین تن از اسرای ازبک را با دادن خلعت‌هایی شامل دو عبای بافته از نخ‌های طلایی آزاد کرد (فلور، ۱۳۹۸: ۸۶). گاهی از طریق حمایت از شاهزادگان پناهنده به دربار و خلعت‌بخشی به آنها سعی می‌شد علاوه بر بهره بردن از مزایای سیاسی آن به نوعی عظمت خود را در مقابل دشمنان نمایان کنند. زمانی که بایزید عثمانی در سال ۹۶۶ق. / ۱۵۵۸م. به شاه تهماسب پناهنده شد، پس از دیدار با او در قزوین هدایایی (خلعت‌هایی) شامل دو هزار تومان شاهی عراقی و زر نقد و مرصع‌آلات و اقمشه و یراق به او داد. سپس پانزده هزار تومان دیگر به همراه وجه نقد، جواهر، مرصع، ظرف، طلا، نقره، تحفه‌های مرغوب، کتب نفیسه، قالی‌های کرمانی، جوشقانی زربافت، نمدتکیه‌های الوان و قماش مناطق مختلف به او مرحمت کرد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۲/۱).

خلعت‌بخشی غیرمستقیم به صاحب‌منصبان در مناسبات خارجی و در مواجهه با دشمنان

در ادوار گذشته، خاندان‌های حکومتگر در ایران برای ایجاد حکومتی تمرکزگرا و قدرتمند با دشمنان داخلی و خارجی مقابله می‌کردند. با روی کار آمدن حکومت شیعه‌مذهب صفوی در ایران، مواجهه با دشمنان خارجی برای حفظ تمامیت ارضی نیز امری گریزناپذیر بود. در این زمان، مهم‌ترین همسایگان و دشمنان خارجی صفویان، عثمانی‌ها در غرب و ازبکان در شرق بودند که درگیری‌های بین آنها از سلطنت شاه اسماعیل تا نیمه دوم حکومت صفوی تداوم پیدا کرد و در این درگیری‌ها، صاحب‌منصبان و شاهزادگان نقش به‌سزایی داشتند. از این رو، نحوه ارتباط و مقابله با دشمنان توسط شاهزادگان و صاحب‌منصبان در نوع برخورد و خلعت‌بخشی شاهان صفوی به آنها مؤثر بود که عبارتند از:

الف- خلعت به مثابه عاملی برای دلجویی در عصر صفوی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خلعت‌بخشی در عصر صفوی، دلجویی از بزرگان، شاهزادگان و صاحب‌منصبان بلندپایه‌ای بود که در شرایط مختلف و به دلایل متفاوت مختل می‌شدند. بدین ترتیب که برای دلجویی از شاهزادگان و صاحب‌منصبانی که مورد خشم شاه قرار می‌گرفتند، از بالاترین مرحمت شاهانه به زیردستان یعنی خلعت‌بخشی استفاده می‌شد. گاه اتفاق می‌افتاد که صاحب‌منصبان در مواجهه با دشمنان مهاجم، میدان نبرد را ترک می‌کردند و پس از آن توسط شاه در انظار عموم تحقیر می‌شدند. اما به دلیل مقام بالا و خدماتی که در گذشته انجام داده بودند، به واسطه خلعت‌بخشی از آنها دلجویی می‌شد.

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۱۷

به‌عنوان نمونه در زمان شاه اسماعیل در سال ۹۱۹ق. / ۱۵۱۳م. زمانی که ازبکان به خراسان حمله کردند، دده بیک حاکم مرو از ترس رویارویی با سپاه ازبک فرار کرد. پس از آنکه او را به حضور شاه آوردند، دستور داد او را با لباس زنانه و سوار بر الاغ در انتظار عموم گردانند. اما پس از این اقدام، شاه اسماعیل برای دلجویی خلعت شاهی برای او ارسال کرد (ممبره، ۱۳۹۷: ۲۳۳).

همچنین در مواردی مشابه، زمانی که شاهزادگان صفوی پس از خیانت و پیوستن به دشمن اسیر می‌شدند، بعد از توهین و تحقیر آنها در انتظار خلق، با خلعت‌بخشی از آنها دلجویی می‌شد. زمانی که القاص میرزا به شاه تهماسب خیانت کرد، پس از اسارت در انتظار عموم مورد تحقیر واقع شد. اما شاه تهماسب به‌منظور دلجویی سر تا پای او را خلعت پوشانید (جنابدی، ۱۳۷۸: ۵۱۷). در این زمینه به نظر می‌رسد با توجه به اینکه خلعت شاهی بالاترین نوع مرحمت شاه به زیردستان محسوب می‌شد، به‌منظور زدودن کینه، دشمنی و جلب اعتماد دوباره افراد بانفوذ از آن استفاده می‌شد. همچنین به نظر می‌رسد شاهان صفوی از اینگونه خلعت‌بخشی به عنوان حربه‌ای دوسویه استفاده می‌کردند؛ از یک سو سزای خیانت و مقابله نکردن با دشمن را گوشزد می‌کردند و از سوی دیگر پس از نمایاندن نیت خود از آنها دلجویی می‌کردند.

ب- خلعت‌بخشی در قبال حفظ اقتدار شاهان صفوی

در مناسبات خارجی عصر صفوی حفظ اقتدار و نمایش قدرت شاه توسط صاحب‌منصبان حکومتی با گرفتن خلعت رابطه مستقیم داشت. به طوری که اگر صاحب‌منصبان و حکام در مناسبات خارجی و روابط سیاسی با دولت‌های خارجی اقتدار شاه را حفظ می‌کردند، به گرفتن خلعت مفتخر می‌شدند و مورد مرحمت شاه قرار می‌گرفتند. به عنوان نمونه در سال ۹۵۱ق. / ۱۵۴۴م. همایون گورکانی به ایران پناهنده شد و در هرات جواهر تقدیمی به شاه تهماسب را در معرض نمایش گذاشت و بر آنها مباحثات کرد. در مقابل این اقدام، محمد خان حاکم هرات دستور داد طبقی از جواهر قیمتی و ارزان را برای او آوردند، سپس همه آنها را در هم کوبید؛ در واقع او با این عمل سعی داشت عظمت، اقتدار و ثروت شاه را نمایان کند. به طوری که شاه تهماسب با آگاهی از این اقدام سرپای او را خلعت پوشید و هر ساله مبلغ پنج هزار تومان برای او تعیین کرد (افشار، ۱۳۷۰: ۲۵۷-۲۵۶). همچنین برخی افراد که از سوی شاهان صفوی به سفارت می‌رفتند، با حفظ عظمت شاه و همچنین بی‌اعتنایی به آداب

سایر دربارها به گرفتن خلعت مفتخر می شدند. به عنوان نمونه زمانی که شاه عباس، زینل خان را به دربار هند روانه کرد، لباس خود را بر او پوشانید تا منافع و اقتدار شاه را در مقابل پادشاه گورکانی حفظ کند. در پی آن، زینل خان پس از ورود به دربار هند از هیچ طریقی حتی با دادن پول و رشوه نیز حاضر به تعظیم در مقابل پادشاه گورکانی نشد و برای مخارج سفرش وسایل شخصی خود را فروخت. در مقابل این اقدام، زمانی که شاه هند در مورد عدم پایبندی زینل خان به مسائل دیپلماتیک شکایت کرد؛ شاه عباس، زینل خان را تکریم و پس از دادن خلعت، مقام خانی پنج ایالت را به او سپرد (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۲/ ۷۲۸-۷۲۷). گاهی ندادن اجازه شرفیابی به ایلچیان از سوی حکام که نمودی از اقتدار شاه بود، با گرفتن خلعت همراه می شد (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۲۱). در مواقعی نیز حکام حضور سفرای خارجی را در منطقه حکمرانی خود فرصت مناسبی برای نشان دادن مرحمت شاه به خودشان می دانستند. به گونه ای که خان شماخی در زمان حضور سفرای هلشتاین در طی یک مهمانی باشکوه، اسب های اهدایی (یعنی خلعت های) شاه را با تزئینات کامل و با تشریفات چشمگیری بر آنها عرضه کرد (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۴۵۵/۲).

ج- خلعت و خلعت بخشی شاهان صفوی عاملی برای تحقیر و ترس

یکی از مهم ترین کارکردهای خلعت در مناسبات درونی عصر صفوی، استفاده و به کارگیری آن در جهت تحقیر و ایجاد ترس بود. از آنجا که خلعت بخشی مرحمت شاه به زیردستان را نشان می داد، در مواقعی جنبه متفاوت تری به خود می گرفت. به گونه ای که مرحمت شاه را به نحوی دیگر جلوه گر می ساخت و گاهی حمایت و توجه ویژه شاه به شاهزادگان، حکام و صاحب منصبان حکومتی با دادن خلعت جنبه معکوس داشت. در این دوره، دیدگاه شاهان صفوی نسبت به مسئله حاکمیت (تمرکزگرایی) و حفظ تمامیت ارضی در نوع برخورد آنها با افراد خیانتکار سهم به سزایی داشت، طوری که حتی صاحب منصبان، شاهزادگان نزدیک و خویشاوند شاه از خلعت های تحقیر آمیز و هراس آور و حتی مرگ در امان نبودند. به نظر می رسد اینگونه برخوردها و خلعت بخشی ها در جهت حفظ وفاداری صاحب منصبان و جلوگیری از خیانت آنها صورت می گرفته است.

در واقع به واسطه ارتباط صفویان با همسایگان شان در شرق و غرب و همچنین درگیری های مداوم با آنها افراد خیانتکار، شاهزادگان و صاحب منصبانی که با آنان در ارتباط بودند، در معرض گرفتن این نوع خلعت قرار داشتند. این مسئله به خوبی نشان می دهد که جایگاه حفظ تمامیت ارضی در اندیشه شاهان صفوی سهم عمده ای در خلعت بخشی های

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۱۹

هراس آور به افراد خیانتکار داشت. به طوری که در منابع عصر صفوی جز یک مورد مدعی (قلندر شاه) در زمان سلطان محمد خدابنده (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ۱۱۶) و یک مورد دیگر در زمان شاه عباس که دلیل آن هم مشخص نیست (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۸۰۶/۲)، این نوع خلعت‌بخشی از سوی شاهان صفوی تنها در جهت تحقیر و وحشت‌افزایی به کار گرفته شده است که با دشمنان آنها در ارتباط بودند و یا در مقابل دشمنان آنها به آسانی تسلیم می‌شدند. همچنین پس از مفتخر کردن افراد به خلعت‌های تمسخرآمیز به‌طرز فجیعی آنها را به قتل می‌رساندند و به نوعی خلعت مرگ بر آنها می‌پوشاندند. به‌عنوان نمونه در سال ۹۴۲ق. / ۱۵۳۵م. امیر دباج مشهور به مظفر سلطان در رشت پس از آنکه با حکومت مرکزی به مخالفت برخاست، با عبیدالله خان ازبک متحد شد. حتی زمانی که سلطان سلیمان عثمانی به ایران حمله کرد، با او همراه شد و تا بغداد پیش رفت. اما در غیبت او یکی از ملازمانش به نام حاتم بیک پس از تصرف رشت توانست او را شکست دهد. امیر دباج پس از این شکست به شروان فرار کرد و در راه بازگشت به اسارت شاه تهماسب درآمد. شاه تهماسب دستور داد خلعت‌های مسخره بر او بپوشانند و او باش با آذین‌بندی شهر به استقبال او بروند، سپس او را با دادن خلعت‌های چرمین با رسوایی وارد شهر کردند و در نهایت او را به همراه خلعت مسخره در قفس سوزاندند (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۵۵/۱؛ افشار، ۱۳۷۰: ۷۱؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۸۵؛ روملو، ۱۳۵۷: ۳۵۶/۱-۳۵۵؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۳۷-۴۳۶؛ فومنی، ۱۳۴۹: ۲۷-۲۶؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۳۳-۱۳۰).

همچنین زمانی که القاص میرزا به سلطان سلیمان عثمانی پناهنده شد و موجبات حمله او را به ایران فراهم کرد، پس از آنکه توسط سرخاب خان حاکم اردلان به شاه تهماسب تحویل داده شد، او را به خلعت‌های تمسخرآمیز مفتخر کرد. قاضی بوداق منشی شرح واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «... و شاه نعمت‌الله یزدی رفت و القاص میرزا را از قلعه بیرون آورد. چون به حوالی اردو رسید امر شد که قبای ملقع و ملمع به اقمشه گوناگون ترتیب دهند و ده من پنبه در آن قبا زنند و بیست دستار را بیچند و اتاقه‌ای که مسخره‌ها بر سر می‌زنند بر آن دستار زنند و...» (بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۰۴). شاه صفی نیز به‌واسطه شکست برخی از حکام و واگذاری قلاع‌شان به سپاه عثمانی خلعت مرگ بر آنها پوشانید. یار سلطان حاکم ماکو و مرار سلطان حاکم بایزید به دلیل شکست در مقابل سپاه عثمانی کسانی بودند که از طریق پیک آورنده خلعت به این سرنوشت دچار شدند، سپس پوست‌شان را کردند و پر از کاه کردند تا عبرت کوچه و بازار شود (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۸۰۶/۲).

جنبه دیگری از خلعت و تحقیر در مناسبات و روابط صفویان با همسایگان‌شان در شرق (ازبکان) نیز وجود داشت. از آنجایی که خلعت از طرف اشخاص بالادستی به زیردستان داده می‌شد، پادشاهان و سلاطین نیز در مناسبات و ارتباطات خود سعی داشتند با به‌کارگیری لفظ خلعت و خلعت‌بخشی علاوه بر تحقیر دشمنان، برتری خود را اذعان کنند. به طوری که شیبک خان پس از دشمنی و اعلام جنگ با شاه اسماعیل در نامه‌ای به او اذعان کرد در صورت اظهار اطاعت و خدمت‌رسانی، خلعت حکومت ایران را به او ارزانی می‌دارد (شکری، ۱۳۵۰: ۲۵۹-۲۵۸).

د- خوش‌خدمتی عاملی برای دریافت خلعت شاهی

یکی از مهم‌ترین کاربردهای خلعت در مناسبات شاه با زیردستان، اعطای آن به واسطه خدماتی بود که از سوی صاحب‌منصبان و مقامات زیردست انجام می‌شد. از ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی به دلیل شورش‌ها، مرکزگریزی‌ها و درگیری‌های مداوم با دشمنان خارجی به‌ویژه عثمانی‌ها و ازبکان، سرکوب و عقب‌راندن آنها برای شاهان صفوی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. از این‌رو، خوش‌خدمتی برای شاه و گرفتن خلعت در ازای آن با درگیری‌های نظامی و رویارویی با دشمنان داخلی و خارجی عجین شده بود. از این منظر، خوش‌خدمتی در عرصه نظامی را می‌توان در دو بُعد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد.

در بُعد خارجی به دلیل تهاجمات همسایگان صفویان در شرق و غرب و اهمیت حفظ مرزها و تمامیت ارضی هر نوع رویارویی، درگیری و عقب‌راندن دشمن از مرزها به عنوان خوش‌خدمتی با گرفتن خلعت همراه بود. از این‌رو، در موارد متعددی صاحب‌منصبان پس از شکست قوای عثمانی، ازبک و گورکانی در دوره‌های مختلف از شاهان صفوی خلعت دریافت کرده‌اند (افشار، ۱۳۷۰: ۳۷۸، ۱۹۸، ۱۸۵-۱۸۴، ۱۶۸-۱۶۶، ۱۰۲-۱۰۱؛ مرعشی، ۱۳۶۴: ۹۸-۹۹؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۶۵، ۶۵؛ خواجه اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۴۹، ۲۴۲، ۱۹۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۶۶. روملو، ۱۳۵۷: ۳۷۷-۲۴۹؛ منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۲۵۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۶۰) و برخی از افراد با شجاعت در جنگ مورد لطف و توجه ویژه شاه قرار می‌گرفتند (شکری، ۱۳۵۰: ۴۸-۴۷؛ خواندمیر، ۱۳۷۰: ۴/۵۱۳؛ افشار، ۱۳۷۰: ۳۹-۳۸). در مواقعی استقبال از سپاه شاه و دادن پیشکش در زمان رویارویی با دشمنان خارجی به دریافت خلعت منتهی می‌شد (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ۲۰۷-۲۰۶). حتی افرادی که پس از رویارویی با دشمن شکست می‌خوردند، به دلیل رشادت در مقابل دشمنان مورد مرحمت شاه قرار می‌گرفتند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۶۷؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۲۸۰). در مواقعی هم

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۲۱

که سر بریده اشخاص مهم و فرماندهان سپاه دشمن به نظر شاه می‌رسید، در ازای این خدمت بلافاصله به ارسال خلعت اقدام می‌شد (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۴۸۵-۴۸۱؛ شکری، ۱۳۵۰: ۱۵۶-۱۵۳؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۴۵۳/۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۵۷). از طرفی دیگر، اهمیت تقابل با دشمنان خارجی و حفظ تمامیت ارضی به‌گونه‌ای بود که در گرماگرم منازعات صفویان با همسایگان‌شان خیانت نکردن به شاه صفوی نقشی مهم در خلعت‌گیری داشت (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۹۶-۹۴؛ [بی‌نا]، ۱۳۷۰: ۳۴۹-۳۵۰؛ خواندمیر، ۱۳۷۰: ۱۸۹؛ روملو، ۱۳۵۷: ۴۶/۱-۴۲؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۸۱، ۵؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۶۸۱/۲؛ استرآبادی حسینی، ۱۳۶۶: ۱۱۶). همچنین کشتن افراد خیانتکار و متمایل به دشمنان خارجی از سوی شاهان صفوی با مرحمت خلعت همراه می‌شد (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۳-۲۰؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۷۳۳-۷۳۴/۲) و در مقابل، حکام مناطق مرزی و تابع حکومت صفوی با حفظ وفاداری و مقاومت در مقابل دشمنان خارجی خلعت می‌گرفتند (ترکمان، ۱۳۵۰: ۶۸۱/۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۱۶). گاهی شاهان صفوی به منظور حفظ وفاداری و مقاومت حکام در مقابل دشمنان پیش از حمله آنها به ارسال خلعت اقدام می‌کردند (ترکمان، ۱۳۵۰: ۷۶۴/۲). در مقام پایین‌تر نیز حکام محلی به منظور جلوگیری از خیانت زبردستان به خلعت‌بخشی اقدام می‌کردند؛ به این ترتیب که گاهی حکام به دلیل مشکلات شخصی باعث مرگ افراد ذی‌نفوذ در مناطق تحت حاکمیت‌شان می‌شدند و این اقدام ممکن بود از سوی نزدیکان شخص مزبور تلافی گردد. به همین دلیل، حکام به منظور دفع خطر و جلوگیری از خیانت آنها با تقرب به نزدیکان‌شان و اعطای خلعت و ترفیع مقام، توجه آنها را جلب می‌کردند (مشیزی بردسیری، ۱۳۶۹: ۲۵۴).

نتیجه‌گیری

در عصر صفوی خلعت‌بخشی به زبردستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در این دوره، خلعت‌بخشی در مناسبات دیپلماتیک با دولت‌های خارجی نمودهای مختلف و کارکردهای بعضاً متناقضی داشت. از آنجایی که صفویان چونان دیگر واحدهای سیاسی، گاهی با دولت‌های همسایه در جدال بودند، عملکرد صاحب‌منصبان در مقابل آنها با نوع خلعت‌گیری‌شان رابطه مستقیم داشت، به طوری که اگر در دفع دشمن و شکست آنها موفقیتی به دست می‌آوردند، به مرحمت شاهی یعنی خلعت مفتخر می‌شدند. اما زمانی که با شکست مواجه می‌شدند و یا میدان نبرد را ترک می‌کردند، خلعت‌بخشی شاه جنبه معکوس

به خود می‌گرفت، طوری که خلعت تحقیر و ترس از طرف شاه بر آنها پوشیده می‌شد. در واقع، شاهان صفوی به منظور حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از خیانت صاحب‌منصبان در منازعات خارجی به چنین اقداماتی دست می‌زدند. وانگهی در مواردی نادر برای دلجویی از این افراد به پاس خدماتی که در گذشته انجام داده بودند، خلعت شاهی برای آنها به منزله نوعی دلجویی ارسال می‌شد. حتی در مواقعی به منظور جلوگیری از جنگ، ارسال خلعت شاهی که بالاترین مرحمت شاه به دیگران محسوب می‌شد، تأثیرگذار بود. از طرفی نمایاندن اقتدار شاهی و حفظ شأن و منزلت آنها در مناسبات خارجی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دریافت خلعت شاهی در این دوره محسوب می‌شد. چنانکه اگر صاحب‌منصبان در سفارت خود و یا حتی در مواجهه با پادشاهان دول دیگر، اقتدار شاهان صفوی را حفظ می‌کردند، به خلعت شاهی نائل می‌شدند. در باره حضور سفرای خارجی در ایران که برای مقاصد سیاسی و اقتصادی روانه ایران می‌شدند، آداب معینی برای خلعت‌بخشی به آنها وجود داشت که در پس آن نوع خلعت، جنس و یا زیاد بودن ملزومات آن، دیدگاه شاهان صفوی را به دولت‌های خارجی مختلف آشکار می‌کرد، به طوری که می‌توان اذعان کرد خلعت‌بخشی شاه به سفرای خارجی با نوعی ارزش‌گذاری همراه بود.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

- امینی هروی، امیرصدرالدین ابراهیم، ۱۳۸۳، *فتوحات شاهی*، به تصحیح و تعلیق، توضیح و اضافات: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولثاریوس، آدام، ۱۳۶۹، *سفرنامه آدام اولثاریوس*، ترجمه: محمدحسین کردبچه، تهران: کتاب برای همه.
- بیات، اوروج بیک، ۱۳۳۸، *دون ژوان ایرانی*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، با حواشی و یادداشت‌هایی از لسترنج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۹۹، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح: حمید شیرانی، تهران: سنایی.
- ترکمان، اسکندر بیک، ۱۳۵۰، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، زیر نظر با تنظیم فهرست‌ها و مقدمه: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- تترو، آنتونیو، ۱۳۹۷، *سه سفرنامه: رابی بنیامین تطیلی، آنتونیو تترو، میگل ممبره*، ترجمه: حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: [بی‌جا].

کارکردهای سیاسی خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در مناسبات خارجی صفویان □ ۲۳

جناب‌دی، میرزا بیگ، ۱۳۷۸، *روضه‌الصفویه*، به کوشش: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

حسینی استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی، ۱۳۶۶، *از شیخ صفی تا شاه صفی (از تاریخ سلطانی)*، به کوشش: احسان اشراقی، تهران: چاپخانه بهمن.

خواجگی اصفهانی، محمدمعصوم، ۱۳۶۸، *خلاصه‌السیر (تاریخ روزگار شاه صفی)*، زیرنظر: ایرج افشار، تهران: علمی.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، ۱۳۸۰، *حبیب‌السیر*. مقدمه به قلم جلال‌الدین همایی. فهرست مطالب، اعلام تاریخی و جغرافیایی، قبایل و کتب و تصحیح متن زیرنظر: محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام. دلاواله، پیترو، ۱۳۷۰، *سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه، شرح و حواشی از: شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

رربورن، میثائیل، ۱۳۸۴، *نظام ایالات در عهد صفویه*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

رودگر، قنبرعلی، ۱۳۹۳، *خلعت (در تداول فارسی‌زبانان: خلعت)*، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۵، زیرنظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: انتشارات بنیاد دائرةالمعارف اسلام.

روملو، حسن بیگ، ۱۳۵۷، *احسن‌التواریخ*، به تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: بابک. سانسون، ۱۳۴۶، *سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)*، به کوشش و ترجمه: تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.

شاردن، ژان، ۱۳۷۵-۱۳۷۲، *سفرنامه شوالیه شاردن*، ترجمه: اقبال یغمائی، تهران: توس. شاملو، ولی‌قلی بن داوودقلی، ۱۳۷۱، *قصص‌الخاقانی*، به تصحیح و پاوورقی: سید حسن سادات‌ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شیرازی، عبدی بیگ، ۱۳۶۹، *تکمله‌الخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ ق.)*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.

غفاری قزوینی، قاضی احمد، ۱۳۴۳، *تاریخ جهان‌آرا*، تهران: حافظ. غفاری‌فرد، عباسقلی، ۱۴۰۲، *دیوان‌سالاری و نظام اداری در روزگار صفویه*، تهران: امیرکبیر. فلسفی، نصرالله، ۱۳۵۳، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: دانشگاه تهران.

فلور، ویلم، ۱۴۰۰، *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمه: کاظم فیروزمند. تهران: آگه. دریابل، فن و ژرژ نکتاند، ۱۳۵۱، *ایتر پرسیکوم*، ترجمه: محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. فومنی، عبدالفتاح، ۱۳۴۹، *تاریخ گیلان وقایع سال‌های ۹۲۳-۱۰۳۸ هجری قمری*. به تصحیح و تحشیه: منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

فیدالگو، گریگوریو پری یرا، ۱۳۵۷، *گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی*، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از: ژان اوبن، تهران: دانشگاه تهران.

فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، ۱۳۶۳، *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمه: غلامرضا سمیعی، تهران: نو. قبادالحسینی، خورشاه، ۱۳۷۹، *تاریخ ایلیچی نظام‌شاه (تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۷۲ ق.)*، به تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات: محمدرضا نصیری و کوهیچی هانهدا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

قزوینی، ابوالحسن، ۱۳۶۷، *فوائدالصفویه (تاریخ سلاطین و امرای صفویه پس از سقوط صفویه)*، به تصحیح، مقدمه و حواشی: مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

قمی، قاضی احمد بن شرفالدین الحسینی القمی، ۱۳۸۳، *خلاصه/تواریخ*، ۲ جلد، به تصحیح: احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

کارری، جوانی فرانچسکو جیملی، ۱۳۴۸، *سفرنامه کارری*، ترجمه: عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی و مؤسسه انتشارات فرانکلین.

کمپفر، انگلبرت، ۱۳۶۳، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.

متی، رودی، ۱۳۹۷، *ایران در بحران*، ترجمه: خسرو خواجه‌نوری، تهران: امیرکبیر.

مرعشی، میرتیمور، ۱۳۶۴، *تاریخ خاندان مرعشی مازندران*، به تصحیح: منوچهر ستوده. تهران: اطلاعات.

مشیزی بردسیری، میر محمدسعید، ۱۳۶۹، *تذکره صفویه کرمان*، با مقدمه و تصحیح و تحشیه: محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.

منجم یزدی، ملا جلال الدین، ۱۳۹۸، *تاریخ عباسی (روزنامه ملا جلال)*، تاریخ ایران در روزگار شاه عباس صفوی، به تصحیح: مقصودعلی صادقی، تهران: نگارستان اندیشه.

منشی قزوینی، بوداق، ۱۳۷۸، *جواهرالخبار (بخش تاریخ ایران از قراقویونلوها تا سال ۹۸۴)*، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محسن بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.

مجهول المؤلف، ۱۳۷۰، *عالم‌آرای شاه طهماسب*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.

مؤلف ناشناخته، ۱۳۵۰، *عالم‌آرای صفوی*، به کوشش: *یدالله شکری*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مؤلف ناشناخته، *جهانگشای خاقان* (تاریخ شاه اسماعیل)، مقدمه و پیوست‌ها و فهرس: الله وتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

واله اصفهانی، محمدیوسف، ۱۳۷۲، *خلدبرین (ایران در روزگار صفویان)*، به کوشش: میرهاشم محدث، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

وحید قزوینی، محمدطاهر، ۱۳۲۹، *عباسنامه (شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی)*، به تصحیح و تحشیه: ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی.

نشریات:

الهی، امیرنیما و صمد سامانیان، تحلیل جامعه‌شناختی آداب خلعت و جامه‌بخشی در دوره خلافت فاطمی، پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۱۴۰۰، دوره ۵۴، شماره ۱، صص. ۲۴-۱.

خوش‌آب، فرزاد، توران طولابی و سید علاءالدین شاهرخی، کارکردهای مالی و اداری خلعت در دروه صفویه، پژوهشنامه تمدن ایرانی، سال ۱۴۰۲، دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، صص. ۱۹۱-۱۶۹.